

پاینتخت بحرین روزهای چهارم و پنجم ماه جاری شاهد نشستتی بود که کاخ سفید رسماً آن را گام نخست اجرایی شدن «معامله قرن» خوانده است. در ارتباط با طرح معامله قرن و محتوای آن تا کنون مطالب زیادی منتشر شده و در اینجانبز قصد نداریم یکبار دیگر آنها را تکرار کنیم. اما نقطه ثقل تحلیل حاضر، نشست منامه یا به تعبیر محافل غربی، «کار گاه منامه» است. البته تحلیلگران درباره خود کار گاه منامه نیز در همین مدت کم، سخن ها گفته‌اند و از وجوه مختلف آن را مورد توجه قرار داده‌اند. این تحلیلگران در یک جمع‌بندی، نشست مذکور را شکست خورده دانسته و برای تأیید ادعای خود، فاکت‌ها و دلایل مختلفی را ذکر کرده‌اند. لذا، بر داختن به این مسئله هم تکرار مکررات خواهد بود و از آن صرف‌نظر می کنیم.

امسا، نکته‌ای که جای تامل دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل رویکرد و رفتار تیم «دونالد ترامپ» در قبال یک بحران مزمن و ریشه‌دار در منطقه است. در مقاله حاضر نشست منامه از همین منظر، مورد توجه قرار می گیرد و نویسنده از این زاویه، پیامدهای این نشست را مورد توجه قرار می دهد.

### نگاه راهبردی

از زمانی که رژیم نام مشروع اسرائیل شکل گرفته است(سال ۱۹۴۹ میلادی)، دو نیرو در منطقه غرب آسیا مقابل هم قرار گرفته‌اند: نیرویی که با همه ابزارها تلاش کرده، موجودیت این رژیم را حفظ کند و نیرویی که درصد نابودی اسرائیل بوده و هست، تقابل این دو نیرو تا آنجا در منطقه، ساختاری و نهادهی شده است که می توان گفت هر متفکر و تحلیلگری، اگر این دو نیرو را در تحلیل خود لحاظ نکند، تصوری ناقص از تحولات منطقه به دست خواهد داد.

نکته جالب توجه در ارتباط با تقابل حامیان و مخالفان رژیم اسرائیل این است که طی ۷۰ سال گذشته این دو جبهه تغییر و تحولات زیادی را



به خود دیده‌اند، اما تقابل همچنان پابرجا است؛ ابتدا حامی اصلی رژیم اسرائیل، انگلیس بوده، اما به مرور این نقش را آمریکا عهده‌دار شده است. در جبهه مقابل هم ابتدا کشورهای عربی با موتور محرک ناسیونالیسم عرب، به جنگ با رژیم صهیونیستی رفته و قصد داشته‌اند که آن را نابود کنند، ولی با گذشتت زمان، نیروها و جریان‌های اسلامی جای ناسیونالیسم عربی را گرفته‌اند. در طی ۷۰ سال گذشته طرَح‌ها، برنامه‌ها، مذاکرات، حملات، جنگ‌ها، کشتارها، تبلیغات و جنگ‌های روانی آمریکا با نیروها و جریان‌های تائکتیک‌هایی بوده‌اند که یک استراتژی آنها را به هم وصل می‌کرده است: «حفظ موجودیت اسرائیل و حذف مسئله‌ای به نام فلسطین».

#### نظم آمریکایی و فرزندان آن

امسا، در طول این مدت زمسان طولانی، اتفاق خطرناکی که افتاده، این است که در منطقه غرب آسیا یک وضعیت سیاسی و اجتماعی خاصی شکل گرفته و به مرور نهادهی شده که کارویژان‌ش در نهایت، حفظ موجودیت اسرائیل است؛ در کشورهای مثل عربستان، امارات، اردن، مصر و سایر مناطق سیاست‌مدارانی بر سر قدرت هستند که یا از لحاظ خانوادگی، موجودیت و تداوم حیات سیاسی خود را مدیون انگلیس و یا آمریکا هستند و یا در دانشگاه‌ها و کالج‌های آمریکایی و اروپایی پرورش یافته‌اند و به اصطلاح، در فرهنگ غربی غوطه‌ور شده‌اند. این نظم آمریکایی و غربی متأسفانه در منطقه ریشه گرفته است و سیاستمداران و خانواده‌هایی مثل آل خلیفه و آل سعود، فرزندان این نظم هستند.

البته این تازه بخشی از ماجرا بوده و زمانی که این بخش سیاسی را با بخش اقتصادی بیامیزیم، شرایط راهی سخت‌تر هم می‌شود؛ همان طور که می‌دانیم، اقتصاد کشورهای عربی و نفتی با اقتصاد

غرب کاملاً گره خورده است. این گره‌خوردگی برای خود غربی‌ها نه تنها مشکلی را ایجاد نمی‌کند، بلکه در شرایط حساس و بحرانی، همین اقتصاد نفتی می‌تواند نقش سوپاپ اطمینان را داشته باشد و دولت آمریکا و اتحادیه اروپا را بحران خارج کند. کشورهای غربی به هر ترتیبی که شده، دلارهای نفتی را از منطقه غرب آسیا به کشورهای خود برمی‌گرداندند و این وجوه کلان را به اقتصاد خود تزریق می‌کنند. این دقیقاً همان کاری است که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، کرده و بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار را طی دو سال گذشته از

رابطه بیان کرد، ماجرای توهین‌های مکرری است که رئیس‌جمهور آمریکا نثار سران رژیم آل‌سعود می‌کند و آنها نیز مجبورند این توهین‌ها را به جان بخنند و دم برنیاورند.

#### تیم ترامپ

با توجه به توضیحاتی در بالا ارائه شد، می‌بینیم که ترامپ و دستیارانش برای بحران مزمن غرب آسیا طرح جدیدی که بتواند راهبردی باشد و همه چیز را زیر و رو کند، ارائه نکرده‌اند؛ آنها در درون همان راهبرد ۷۰ ساله غرب، یک تاکتیک جدید تحت نام «معامله قرن» را ارائه کرده‌اند و با تاکتیک دیگری به اسم «ثشت منامه» و آن طور که خودشان می‌گویند:کار گاه منامه» می‌خواسته‌اند تاکتیک اولی را عملیاتی بکنند.

علاوه بر آن، تیم ترامپ در ماجرای نشست منامه، افراد جدیدی را نتوانسته به این نشست بکشاند، بلکه همان کسانی را به منامه آورده بود، که به خاطر وابسته بودن، همیشه گوش به فرمان ترامپ هستند و همان طور که اشاره شد، آنها از

## دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir



شدن و جنبه‌های منفی یک جامعه سرمایه‌زده و از هم‌گسستگی در حال حرکت است، و سوم نیز شخص ترامپ، که یک پیشینه تجاری دارد و همه سیاست و دیپلماسی را در جذب پول نقد، سود بیشتر و هزینه کمتربرای خود می‌بیند. این میراث و خلیقیات ترامپ را دخترش «یوانکا» و دامادش «جارد کوشر»، در نشست منامه عملیاتی کرده‌اند، تا به زعم خودشان، یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های یک قرن اخیر( یعنی همان بحران اعراب و رژیم صهیونیستی)را حل کنند.

آنها از اقتصاد به سیاست پل زده‌اند تا ماجرای تسلط تاجران پرتغالی، اسپانیایی و انگلیسی بر مستعمرات را یکبار دیگر در ارتباط با فلسطینیان تجربه کنند، اما نتوانستند و نخواهند توانست که ترامپ هستند و همان طور که اشاره شد، آنها از



## نشست منامه

# هیاهو برای هیچ!

#### سبحان محقق

ترامپ محصول جامعه‌ای است که تفنگ، پول و تبلیغات میان تهی نماد آن است. او به تعبیر سیاست نشناس، نه شیر است و نه روباه؛ نه توان جنگیدن دارد و ذهنی پیچیده و حیل‌ه گر را دارد. ترامپ و دستیارانش خوشبختانه، نگاه عمیق به مسائل ندارند؛ آنها نسبت به روابط جدید قدرت در منطقه غرب آسیا غافل مانده‌اند و نمی‌دانند که محور مقاومت در منطقه هرگز گول این تائکتیک‌ها را نخواهد خورد. از نگاه کشورهای جبهه مقاومت، ترامپ می‌خواهد با شکلات، دیگران را بفریبد؛ آنها نشست منامه و معامله قرن رئیس‌جمهور آمریکا را در حد همان دست و پا زدن‌های روسای



کشورها برای سرمایه‌گذاری اقتصادی و کم‌کهای تجاری پیشقدم شوند. کارشناسان تأکید دارند نکته مهم اینجاست که سرمایه‌گذاری نیاز به امنیت و ثبات سیاسی دارد. وی تأکید کرد اینکه آمریکا می‌خواهد ماهیت مسئله را از حالت سیاسی به اقتصادی تبدیل کند قابل قبول نیست. «بنیال رودینه» از دیگر مقام‌های ارشد فلسطینی هم این موضوع را که کاخ سفید بدون هماهنگی با فلسطینی‌ها به دنبال راه‌حل است، یک خطای بزرگ می‌داند که نمی‌تواند نتیجه دلخواه کاخ سفید را به دنبال داشته باشد.

چهره‌ها و مقام‌های غربی نیز چندان به این طرح خوش بین نیستند، به‌ویژه آنکه آنها تشکیل دو دولت می‌دانند و بر بی تأثیر بودن اقدامات اقتصادی پیش از حل سیاسی موضوع تأکید دارند. به باور کارشناسان، وقتی اوضاع اقتصادی فلسطینی‌ها نامناسب است و آنها زیرساخت‌های درستی ندارند، وقتی آنها در محاصره اقتصادی شدید به سر می‌برند و هنگامی که رهبران فلسطینی قادر به اصلاح سیاست‌های اقتصادی خود نیستند، نمی‌توان از این طرح انتظار موفقیت داشت.

سابقاً این وجود در حالی که رویکرد‌های کاملاً جانبدارانه کاخ سفید نسبت به رژیم صهیونیستی قابل کتمان نیست، رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر به فلسطینی‌ها ناخوت و آنها را مسئول شرایط کنونی عنوان کرد. «دونالد ترامپ» پس از پایان نشست مدعی شد که مخالفت‌ها با معامله قرن نشان می‌دهد که رهبران فلسطینی‌ها نمی‌خواهند به مردم خود کمک کنند.

صفحه ۸

پنج شنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۸

اول ذی‌القعده ۱۴۴۰ – شماره ۲۲۲۴

## آمارهای رسمی این‌طور می‌گویند

# آمریکا کشور فرصت‌ها برای کشتن یا کشته شدن!

طولیم کم کمک چندانی به استقرار آرامش در کوچه‌ها و خیابان‌های این کشور نکرده و گویا اوضاع وخیم‌تر هم شده است. خشونتی که اینجا از آن سخن می‌گوییم خشونت «عیان و برهنه» است. به تعبیر «دیوید کورت‌ترایت» استاد تاریخ دانشگاه فلوریدای شمالی، مسئله اولیه تاریخ آمریکا، همین خشونت عریان بوده و مطمئن‌ترین راه برای کاهش آن، خواب کردن (بی‌هوش کردن) مردان جوان این کشور است؛ و الا خشونتی که برخی محققین «خشونت دیگر جامعه آمریکا است، پژوهش‌گرانی که این جنبه از جامعه آمریکا را مورد توجه قرار داده‌اند، روی شرایط خشن و دشواری متمرکز می‌شوند که ساختار اقتصادی و اجتماعی آمریکا تشکیلی می‌دهند. این پژوهشگران به‌عنوان مثال می‌گویند، ۸۰ درصد مردم آمریکا همه در آمدشان را خرج مصارف روزانه‌شان کنند، به‌طوری که هیچ مقدار از این درآمد برای آنها باقی نمی‌ماند. علاوه بر آن، این مردم هیچ راهی برای ارتقای اجتماعی خود نمی‌یابند. یا ۷۰ درصد آمریکایی‌ها اگر برای آنها هزینه اضطراری پیش آیند، از فراموش آوردن ناتوان هستند. علاوه بر آنها، نظام درمانی آمریکا و بیمه‌ها هزینه‌های گزافی را به مردم تحمیل می‌کنند.

#### قتل زنان توسط شوهران

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سالانه نزدیک به ۱۰۰۰ زن توسط شریک زندگی‌شان کشته می‌شوند، آن هم در کشوری که خود را مدافع جدی حقوق زنان می‌ماند. اگر بخواهیم موشکافانه نگاه کنیم، به آمار سال ۲۰۱۶ توجه می‌کنیم؛ در سال ۱۹۸۹ زن در آمریکا کشته شده‌اند. از این تعداد، ۹۶۹ نفر توسط همسران، همسران سابق و یا دوستان صمیمی خود که خارج از چارچوب ازدواج با آنها رابطه داشته‌اند، کشته شدند. در سال‌های بعد هم اوضاع بهتر نشده است. برای نمونه آماری که از سال پیش به دست ما رسیده نشان می‌دهد که بیش از ۱۰ نفر فقط در روز اول سال نو میلادی در ۲۵ نفر در هفته اول سال توسط شریک کنونی یا شریک سابق زندگی‌شان کشته شده‌اند. «جکی اسپیر» نماینده دموکرات از سانفرانسیسکو، اعلام کرد که روزانه به‌طور میانگین سسه زن آمریکایی توسط شریک زندگی‌شان کشته می‌شوند. پس اینکه بگوییم «قتل» یکی از راه‌های مرسوم برای حل مسائل عاطفی و خانوادگی در آمریکاست چندان بیره انگفته‌ایما تصویری که از این داده‌ها در ذهن ترسیم می‌شود، دلهره‌آور است و نشان می‌دهد که آمریکا حتی در حریم خانه‌ها و خانواده‌ها، کشور امنی نیست.

برای اینکه به درک روشن‌تری از وضع امنیت زنان در «کشور فرصت‌ها» برسید، آمار بالای کشتار زنان را به آماری که «مرکز ملی بررسی جنسی در آمریکا» منتشر کرده است ضمیمه کنید؛ از هر پنج زن یکی در طول زندگی‌اش مورد تجاوز قرار می‌گیرد و حدود ۲۱ درصد آنها قربانی تجاوز می‌شوند. این در حالی است که براساس برآوردها، حداقل نیمی از خشونت‌های جنسی اصلاً گزارش نمی‌شوند. این بررسی‌ها و تأمل در آن گامی است برای شکستن بت ذهنی که برخی اسیر و بنده آنند و راهی است برای به دست آوردن تصویری بدون روتوش از کشور رویاها!

#### خشونت در مدارس

بررسی خشونت در جامعه آمریکا را با نگاهی به خشونت در مدارس این کشور آغاز می‌کنیم؛ چرا که امروز «کشتار در مدارس»، به یکی از شاخص‌های زندگی آمریکایی تبدیل شده و هم‌ردیف دیگر شاخص‌ها مثل «هالیوود» و «مک‌دونالد»، قرار گرفته است. حدود ۲۰ سال پیش، روز بیستم آوریل ۱۹۹۹ در مدرسه‌ای به نام «کلمباین» در ایالت «کلرادو» آمریکا دو نوجوان ۱۷ و ۱۸ ساله دست به کشتاری وحشتناک زده‌اند؛ آنها ۱۲ دانش آموز و یک معلم را کشته و دست آخر نیز خودکشی کرده‌اند، در این تیراندازی حدود ۲۱ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. هر چند آمریکایی‌ها آن روز را از یاد نمی‌برند، اما اکنون بعد از ۲۰ سال، شرایط بهتر از قبل نیست.

در سال ۲۰۱۸، مدارس آمریکا با حدود ۴۰ کشته، خونبارترین سالار با تجربه کرده‌اند. روزنامه انگلیسی گاردین، به نقل از مسئولان آمریکایی، تعداد تیراندازی‌های این سال را ۹۴ مورد گزارش کرده است. در سال جاری نیز تاکنون چندین تیراندازی در مدارس آمریکا رخ داده و حدود چهار کشته و ۳۵ زخمی برجای گذاشته است. روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای که به مناسبت بیستم سالگرد فاجعه کلمباین نوشته، اشاره می‌کند که تاکنون میلیون‌ها دلار برای ایمن‌سازی مدارس هزینه شده است، اما فاعه‌های مثل کلمباین دوباره رخ ندهد. اما این تعهدات امنیتی هرگز نگرانی‌ها را کم نکرده است. تحقیقات اسوشیتد پرس و مرکز «ان.آر.سی» در دانشگاه شیکاگو نشان می‌دهد که ۷۴ درصد والدین و ۶۴ درصد دیگر نسبت به سال ۱۹۹۹ (که در آن حادثه کلمباین رخ داد) ناامن تر شده‌اند.

پیش از این، جامعه‌شناسان کار کرد‌گرایی آمریکایی مدعی بودند که نهادهای آموزشی کودکان و نوجوانان را به مدارس جذب کرده و مانع ورود آنان به گروه‌های بزه‌کار می‌شوند. آنها این عملکرد مدارس را از جمله کارکردهای بنیان نهادهای آموزشی ذکر می‌کردند. اما حالا کار که بجایی رسیده – که به قول گزارشگر گاردین– «تیراندازی در مدارس بخشی از روح آمریکایی شده است» و تیراندازی، آدم‌کشی و اقامات گانگستری در خود مدارس انجام می‌گیرد. «لارسن» در تحقیقات خود نشان می‌هد که خشونت در مدارس از الگوی خشونت در کل جامعه پیروی می‌کند. آنچه در مدارس رخ می‌هد از آنچه که در کل جامعه رخ می‌دهد، منفک و جدا نیست. بدین ترتیب، خشونت در مدارس، خشونت در کل جامعه آمریکا را نمایان می‌کند.

#### آمار خشونت با اسلحه

گویا یکی از «فرصت‌ها» که آمریکا به شهروندانش می‌دهد، فرصت کشتن و یا کشته‌شدن به ضرب گلوله است! براساس داده‌ها و آمارهای دو مرکز «سی‌دی‌سی» (مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری) و «بردی»، طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ دلاری آمریکا کم‌تر برای توقعات مصر، اردن و لبنان رضای‌کننده نبود. «یونی بلر» نخست‌وزیر پیشین انگلیس، نیز در تبیین دلایل شکست نشست منامه، تصور اینکه بدون سیاست بتوان اقتصاد را اجرایی کرد، اقبال و علاقه‌مندی کمتر شد. براساس تحلیل گاردین، در این چارچوب در واقع در فضایی که به ایجاد سیاسی صلح توجهی نشان داده نمی‌شود، صحبت کردن از اقتصاد، حرف‌هایی اضافه و بی‌اهمیت (مفت) به شمار می‌روند. گسترده و سازمان‌های امنیتی عریض و

امین‌الاسلام تهرانی



در این طرح قرار است فلسطینی‌های نوار غزه، کرانه باختری، مصر، لبنان و اردن هر یک در ازای دریافت چندمیلیارد دلار سرمایه‌گذاری، از برخی خواسته‌های اصلی خود چشم پوشی کنند. به اعتقاد تحلیلگران، موضوعاتی همچون تشکیل دو دولت، بحث بازگشت آوارگان فلسطینی به وطن خود و به‌ویژه تعیین تکلیف وضعیت بیت‌المقدس از جمله مهم‌ترین موضوعات چالش برانگیزی هستند که کاخ سفید امید دارد در مراحل بعدی با اعطاف بیشتر فلسطینی‌ها، راه‌حلی